

# فرهنگ حجاب در زنان و مردان

فاطمه عاطفی فرد

مشاهده می‌کنیم لباس مردان در زمان‌های بسیار دور چون وسیله‌ای به نام دکمه وجود نداشت از بند یا دستمال به گونه‌ای دور یقه را می‌بستند تا بدین وسیله بتوانند یقه را بسته نگاهدارند که بعدها به عنوان کراوات مصطلح شد. که متأسفانه به دلیل عدم توجه به علم تاریخ به کار بردن کراوات نوعی غرب‌گرایی و یا واژه‌ای دیگر به کار برده می‌شود. در حالی که اگر هر گوشه‌ای از پوشش ایرانیان هزاران ساله را با فرهنگ رومیان و سایر اقوام مقایسه کنیم، حتی در آثار مستشرقان که به عنوان جهان‌گرد خاطرات می‌نوشتند، این تفاوت را می‌توانیم به خوبی دریابیم. پوشش رومیان متأثر از فرهنگ پوشش ایرانیان بوده و هست.

انگلساکسون‌ها و گل‌ها و ژرمن‌ها در آن دوره به عنوان اقوامی بربر در برابر تمدن ایرانیان بودند.

با تعمق بیشتر در جریان پوشش طبقات اجتماعی در تمدن‌های کهن بالاخص حاکمان ایرانی و ... درمی‌یابیم که پوشش زنان و مردان دربار و بزرگان دین ایرانیان در مقایسه با پوشش زنان و مردان سایر طبقات کامل‌تر بوده است.

«کلاه» برای مردان به نسبت ارزش طبقات اجتماعی متنوع بوده است و نوع پوششی بود که بر سر می‌گذاشتند. اما پادشاه و حاکمان آن را مزین به جواهرات می‌کردند که به صورت تاج مصطلح شده بود. در همان زمان امپراتوری روم به جای تاج حلقه‌هایی از زیتون و یا هر گیاه دیگری که مطابق اعتقاداتشان بود تزیین می‌کردند و بر سر می‌گذاشتند.

ادیان در تمدن‌ها شکل رسمی و سیاسی به خود گرفت و پوشش‌ها را تحت تأثیر فرهنگ یکدیگر قرار داد. اما پوشش کامل ایرانیان بیشترین تأثیر را در فرهنگ مسیحیت و سایر ادیان گذاشت.

زنان مسیحی تحت عنوان راهبه معرفی می‌شوند، می‌بینیم ترکیبی از چادر مقنا (مکنا) و پوشش بلند و مناسب بر تن دارند و مردان روحانی نیز از لباس بلند و حتی کلاه استفاده می‌کنند. سایر ادیان از جمله یهود و غیره نیز چنین است.

نکته دیگر این که ایرانیان جشن‌های زیادی را برپا می‌کردند. اهمیت جشن‌ها بر این پایه بود که: بخواهند در برابر خدای یکتا مراسم شکرگزاری را به جای آورند. ایرانیان برای سپاسگزاری از نعمات زمین (محصولات و میوه‌هایی که از زمین می‌گرفتند) نماز شکر برگزار می‌کردند و جشن می‌گرفتند که نوعی عبادت محسوب می‌شد. زیرا زمین منبع برکت بوده است. (۴)

ایرانیان دانش و آگاهی خود را در برابر قدرت لایزال که با الفاظی چون میترا، زروان، اهورامزدا و ... در طول فرهنگ اجتماعی به کار می‌بردند. که امروز با واژه‌هایی چون الله، خدا،

اهمیت پوشش، در تمدن فرهنگ ایران با مجموعه‌ای اقوامی که هزاران سال زندگی مسالمت‌آمیز و مساعدت‌انگیز را تاکنون ادامه داده‌اند، ریشه دارد. اخلاق و حجاب ایرانیان چه قبل از ظهور اسلام و چه پس از آن، نسبت به اقوام و تمدن‌های سرزمین‌های دیگری چون رم، یونان، چین برتری قابل ملاحظه‌ای داشته است اگرچه جریانات سیاسی، تأثیرگذار رفتارهای اجتماعی است، لذا جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. تحریف ارزش‌های معنوی و علمی در فرهنگ پوشش هر جامعه‌ای اثرگذار بوده است. اما تاکنون نتوانسته است به عنوان یک ضدارزش در فرهنگ پوشش مردم ایران ریشه‌دار، باقی بماند. گرچه در بحران‌های سیاسی تحت تأثیر تهاجم فرهنگی قرار می‌گرفت و برای این که حفظ شود، مبارزه‌ی خاموش را در جامعه پدید می‌آورد. اما ماهیت فرهنگ پوشش را مطابق نیاز شرایط اجتماعی حفظ می‌کرد. ایرانیان تنها ملتی بوده‌اند که به مسأله پوشش به معنای رعایت اخلاق و زیبایی در مراسم و مجالس به تناسب رعایت شخصیت افراد، اهمیت می‌دادند. البته در همه‌ی سطوح فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی که طبقات اجتماعی را پدید می‌آورد این پوشش‌ها و زان و متانت پوشنده‌ی لباس را هویدا می‌کرد.

ایرانیان تنها ملتی هستند که برای هر عضو خود پوششی مناسب را طراحی می‌کردند و می‌دوختند.

گرچه امروز اروپاییان و غربیان مدل‌های متفاوت لباس را از وجود نوآوری‌ها و ابتکارات زنان طراح و هنرمند ایرانی از طریق رسانه‌ها به سراسر دنیا انتقال می‌دهند. بنابراین اندیشه‌های هنرمندانه این گونه زنان را در جهت استعمار و استعمار جوامع فرهنگی سود می‌جویند که قابل تعمق است!

مستنداً لباس‌های اقوام گوناگون ایرانی هم چون عشایری - لری - کردی - خوزستانی - قاسم‌آبادی - طالشی - گالشی و بلوچی و آذری، پارسی و غیره ... و صدها لباس‌هایی که با اندک تفاوتی دوخته می‌شوند، نمونه‌های بارزی هستند که تنوع پوشش و اهمیت رعایت اخلاق حجاب را در بین زنان و مردان و کودکان مطرح می‌کند ایرانیان در همه‌ی شرایط توانسته‌اند فرهنگ پوشش را حفظ کنند و به نسل‌های آینده انتقال دهند. لباس ایرانی از فرق سر تا نوک پا پوشیده است و با رنگ‌های شاد و زیبا و با نقش‌های متناسب طراحی و دوخته می‌شود. برای نمونه لباس محلی قاسم‌آبادی است، مشاهده می‌کنیم که چگونه برای پوشش سر، کلاه و برای پوشیدن گوش و گردن دستمال چهار قد و سر و سینه، جلیقه، با سلاقی گوناگون می‌دوزند. دامن پرچین و شوال، شلوار نیز گفته می‌شود. لباس زنان و مردان بلوچی نیز ریشه در تاریخ فرهنگ و اخلاق اقوام ایرانی داشته است.

فراز و نشیب تاریخ ایران سبب شد که حضور دانشمندان، روحانیون و بازرگانان کشورهای اروپایی و غیره فرهنگ این گونه لباس‌ها را از طریق روسیه به سایر ملت‌ها انتقال دهند. تا جایی که شیوه‌ی پوشش رهبران دینی‌شان متأثر از پوشش مردان ایرانی است. وقتی که اسلام از طریق ایرانیان در اروپا نفوذ کرد نوع پوشش را نیز همراه با اعتقاداتشان تغییر داد.

۴- عنصر را مقدس می‌دانستند که خاک، باد، آب و آتش بود. که بعدها دانشمندان یونانی و رومی تحت تأثیر علما و دانشمندان ایرانی قرار گرفتند. فلاسفه‌ای چون سقراط، ارسطو، افلاطون و دیگران در علوم متفاوت سرآمد جامعه‌شان شدند.

پروردگار، رب به کار می‌بریم، در این جشن‌ها از راه نمادین، چون موسیقی و رقص هم وجود داشته است که بعدها به ملل دیگر نیز در طول تاریخ انتقال یافت.

حتی رقص در آیین ایرانیان تا امروز نوعی شکرگزاری است. لباس این نوع حرکات موزون بسیار پوشیده و نشانه‌ی تمدن آن قوم محسوب می‌شود.

اما پوشش در فرهنگ اعراب جاهلی تا قبل از ظهور اسلام برای زنان و مردان متفاوت بوده است. رقص عربی در فرهنگ اعراب و رقص باله در فرهنگ غرب با پوششی نامناسب برای زنان و مردان تاکنون ادامه داشته است. که متأسفانه به دلیل بی‌توجهی در توجه پوشش ایرانیان در این گونه جشن‌ها اجازه تهاجم به فرهنگ جامعه ایرانی و اسلامی را داده‌ایم. بی‌آن که خودمان قلباً بدان مایل باشیم.

در کدام فرهنگ بومی ایرانیان لباس نامتناسب برای رقص ایرانیان می‌توان مشاهده کرد؟! فرهنگ اسلام که توسط محمد(ص) (نه اسلام اموی. نه عباسی) در بستر مناسب فرهنگ ایرانیان قرار گرفت توانست به سرعت رشد کند و سبب شود که خرافاتی را که از زمان ساسانیان بر ایران حاکم شده بود و اندیشه‌های زردشت را به تحریف در هاله‌ای از خاموشی قرار داده بود نجات دهد. وگرنه ایرانیان تحت تأثیر اندیشه‌های بودا و مسیحیت و یهودیت قرار می‌گرفتند. ایرانیان دیگر قادر به حفظ هویت خود در زمینه اخلاق و فرهنگ نبودند. خدمات متقابل ایران و اسلام بر این پایه بود که توانست بعدها به عنوان امپراتوری اسلامی در اروپا و آفریقا تأثیرگذار شود.

به طوری که بسیاری از اعتقادات ایرانیان مسلمان در جامعه‌ی مسیحیت تأثیر گذار شدند. (که بحث آن در این مقوله نمی‌گنجد).

مردم در هر عصری از خرافات چه در زمینه آداب و رسوم و چه در زمینه اعتقادات، زمانی خسته می‌شوند و دین‌گریزی را ناخواسته طلب می‌کنند. اگر بدون تعصب بنگریم می‌بینیم که ناراضی مردم و فاصله گرفتن از ارزش‌ها و فرهنگ‌های دینی و اخلاقی، ایرانیان را تشنه‌ی یک تحول و دگرگونی می‌کند. همیشه خردمندان و مصلحان اجتماعی و اخلاقی در برابر این گونه سقوط ارزش‌ها، هشیارانه و آگاهانه ظهور می‌کنند. که چون محمد(ص) براساس خرد، قرآن، و ایمان، در تاریخ بشریت تأثیر گذاشته است. لذا یکی از پیامبران آگاه و خردمند و توانایی است که توانست پویایی و ماندگاری رسالت خود را اثبات کند که از نظر روان‌کاوی اجتماعی قابل بحث و توجیه است. ایرانیانی که دغدغه‌ی فرهنگ و اخلاق را در جامعه داشتند بدین وسیله ریشه‌ی اعتقادات خود را با پیام از دل برآمده مسلمانان صدر اسلام و یاران محمد(ص) متحد کردند و این اتحاد سبب شد که تمدن اسلامی و ایرانی را در دنیا گسترش دهند. که امروز می‌بینیم یک آفریقایی، یک اروپایی و یک آمریکایی در آسیایی در مراسم حج در کنار هم با پوششی متحد قرار می‌گیرند و از این اتحاد و اتصال نماز شکر به جای می‌آورند.

تأثیر پوشش در دوره‌ی برده‌داری قابل تعمق است. در دوره‌ی برده‌داری بردگان از زن و مرد آنانی را که دارای درایت و اندیشه نبودند را به هفت قلم می‌آرستند و انواع زیورآلات را به

گوش، لب، بینی و دست‌ها و پا و گردن و بازو و سرها آویزان می‌کردند. آنان را در پوشش مناسب قرار می‌دادند. در بازار برده‌فروشان به خریدارانی که به ظاهر توجه داشتند و در زمان کوتاه تحت تأثیر جاذبه‌های ظاهری قرار می‌گرفتند و زودتر به فروش می‌رود تا صاحبان آن‌ها از شرشان خلاص شوند.

اعراب قبل از اسلام نیز از حجاب مناسب برخوردار نبودند. مگر آنانی را که دارای فرهنگ و تمدن بودند و پوشش آنان بر اساس تربیت و اخلاق رعایت می‌شد.

پوشش روحانیون نیز از الگوهای ایرانی گرفته شده است. روحانیون که به لباس سفید و یقه‌ی بسته معروف به یقه آخوندی ملبس هستند، آخوند به معنای آقاخوانده است که آخوندها در جامعه ایران از مراتب علمی و اخلاقی بالاتر نسبت به سایر طبقات برخوردار بودند.

پوشش مردان نیز طوری بود که یقه تا زیر گلو بسته می‌شد و هنوز هم در فرهنگ دینی ایرانیان، این حساسیت وجود دارد. و به مردانی که دکمه‌های یقه را باز می‌گذارند انتقاد دارند و به گونه‌ای آنان را خارج از نزاکت اخلاقی تلقی می‌کنند. پذیرش دین اسلام در روحیه‌ی ایرانیان تأثیر مثبت گذاشت و سبب شد پویایی، تحول و اعتماد به نفس، فرهنگ حجاب را احیاء کند کسانی که نفس حجاب را و اخلاق پوشش را احترام می‌گذارند، مورد وثوق جامعه هستند.

حجاب عرب‌ها در عربستان چادر بود مقایسه می‌کنید همان چادری است که برگرفته از طرح چادرنشینی بوده است و به عنوان پوشش انتخاب شده بود. اغلب‌شان بدون پوشش پا نظیر نعلین برای زنان و مردان استفاده می‌کردند. چادر عربی روی گشاده و به عنوان نماد حجاب استفاده می‌شد.

این چادر در فرهنگ ایرانیان رسوخ کرد. بنابراین ایرانیان چادر را به صورت باز استفاده نکرده‌اند. بلکه تحولی در نحوه‌ی پوشش ایجاد کردند که در بانوان چادر به سر آن را مشاهده می‌کنیم.

بنابراین امروز پوشش دختران و زنان و مردان متناسب با فرهنگ و تمدن مسلمانان ایرانی نیست، پوشش‌ها به گونه‌ای است که نشان‌گر فقر فرهنگی و بیماری روحی و اجتماعی و اخلاق‌گریزی جامعه را منعکس می‌کند.

لذا پوشش مناسب پوششی است که بتواند بیان‌کننده و انتقال‌دهنده فرهنگ اخلاق، وقار و اندیشه والای زنان و مردان آن جامعه باشد. برهنگی به هر دلیلی قابل توجیه نیست. هر وسیله که بتواند اخلاق حجاب را در جامعه نهادینه کند ارزشمند است که حمایت شود. اما بر اساس حوصله، دانش و جایگزین کردن ارزش‌ها در برابر ناهنجاری‌ها و احیاء شدن سلامت نسبی جامعه به ابتکار و نوآوری در جامعه بستگی دارد. فرهنگ پوشش و اخلاق حجاب به نحوه تفکر و آگاهی افراد نیز مرتبط است.

ابتدا باید این فرهنگ‌گریزی را از فضای فکر فرهنگیان پاک کرد. مدارس را به مدیران فاضل، دانش‌پذیر و دانا و با ایمان سپرد تا شاهد پرپر شدن کودکان - که سرمایه و ثروت تولید اندیشه و کار هستند - نشویم و در نوجوانی و جوانی آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی‌شان را نظاره‌گر نباشیم.